



Adaptation and Reuse of Industrial Heritage as a Continuation of Urban Identity; Tabriz Salambur Factory and Igualada Leather Factory Spain

ARTICLE INFO

Article Type

Original Research

Authors

Ranjesh R.¹ MSc,

Fadaei Nezhad Bahramjerdi S.*¹

PhD

How to cite this article

Ranjesh R, Fadaei Nezhad Bahramjerdi S. Adaptation and Reuse of Industrial Heritage as a Continuation of Urban Identity; Tabriz Salambur Factory and Igualada Leather Factory Spain. Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning. 2020;10(1):55-62.

¹Architecture School, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran

*Correspondence

Address: Architecture School, College of Fine Arts, University of Tehran, Enghelab Street, Tehran, Iran. Postal Code: 1417614418
Phone: +98 (21) 66409696
Fax: +98 (21) 66409696
sarafadaei@ut.ac.ir

Article History

Received: February 4, 2020

Accepted: March 5, 2020

ePublished: June 20, 2020

ABSTRACT

It's vital to recognize the industrial heritage as a part of the urban design process and the conservation of architectural heritage. This is not just about indicative factories, but include all the structures and elements that somehow relate to industrial activities. A place is a part of a culture that, over time has given certain meanings to that space. It is undeniable that, in the overall structure of the city, the conservation of industrial heritage is one of the most important aspects of preserving the cultural identity of that city, which can enhance the cultural identity of the community. Adaptive reuse is the most common and sustainable strategy for preserving and developing the industrial heritage, providing the platform for conservation of urban identity and enhancing a sense of place. This study investigates related documents and theories to the use of logical reasoning strategy and content analysis and analyze Tabriz Salambur Factory and Igualada Factory in Spain as case studies in comparative method. The findings of this study show that reusing of Igualada not only protecting the industrial value of construction but also keeping its heritage. Something that not accrued for Salambur factory as a result of not paying attention to inherit value of construction and adapt proper usage. Moreover, it causes fading out the role of this construction in the way of continuous urban heritage.

Keywords Industrial Heritage; Adaptive Reuse; Urban Identity; Salambur Factory; Igualada Leather Factory

CITATION LINKS

[1] The production of industrial heritage and the heritage in industrial production-working order as model for heritage practices [2] The craft of conservation: Enhancing New Zealand's industrial heritage through adaptive reuse [3] The Nizhny Tagil charter for the industrial heritage [4] Unloved industrial heritage as a motor for urban regeneration [5] The new technology era requirements and sustainable approach to industrial heritage renewal [6] Adaptive reuse for new social and municipal functions as an acceptable approach for conservation of industrial heritage architecture in the czech republic [7] Strategic assessment of building adaptive reuse opportunities in Hong Kong [8] Positive conservation of an old olive oil factory in Ayvalik (Turkey)-adaptive reuse and experience design [9] Ranking of adaptive reuse strategies for abandoned industrial heritage in vulnerable contexts: A multiple criteria decision aiding approach [10] Adaptive reuse and sustainability of commercial buildings [11] A multi-criteria decision analysis for the case of Arezzo [12] The adaptive reuse of industrial heritage, an approach based on energy recycle [13] Adaptive reuse strategies for heritage buildings: A holistic approach [14] Adaptive reuse of industrial building in Toronto, Ontario: Evaluating criteria for determining building selection [15] City physical identity assessment indicators [16] Contemporary Architectural Heritage and Industrial Identity in Historic Districts [17] International approaches to new constructions in historic context (study of theories and international agreements) [18] Industrial heritage rebuilding [19] Comprehensive management of industrial heritage sites as a basis for sustainable regeneration [20] Industrial heritage: The past in the future of the city [21] Heritage, memory and the politics of identity: New perspectives on the cultural landscape (heritage, culture and identity) [22] Architectural pattern recognition of first pahlavi's industrial factories in Tabriz [23] Protecting industrial heritage with an adaptability and reuse approach; Case study [24] museupelligualada.cat [25] goood.cn

انطباق‌پذیری و استفاده مجدد از میراث صنعتی به مثابه تداوم هویت شهری؛ کارخانه سالامبورسازی تبریز و کارخانه چرم‌سازی ایگوالادا اسپانیا

ریحانه رنجکش MSc

دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

سمیه فدائی‌نژاد بهرام‌جردی* PhD

دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

بازشناسی میراث صنعتی به مثابه بخشی از فرآیند طراحی شهری و حفاظت از آثار میراث معماری ضروری تلقی می‌شود. این موضوع تنها به کارخانه‌های شاخص محدود نمی‌شود، بلکه تمام سازه‌ها و عناصری که به نحوی با فعالیت‌های صنعتی در ارتباط هستند را شامل می‌شود. یک مکان در واقع جزئی از فرهنگی است که، به مرور زمان معانی خاصی را به آن فضا بخشیده است. این موضوع غیرقابل‌انکار است که در ساختار کلی شهر، حفاظت میراث صنعتی یکی از مهمترین جنبه‌های حفظ هویت فرهنگی آن شهر محسوب می‌شود که می‌تواند سبب ارتقای هویت فرهنگی جامعه شود. انطباق‌پذیری و استفاده مجدد تطبیقی شایع‌ترین و پایدارترین راهبرد موثر برای حفاظت و توسعه توامان میراث معماری صنعتی است که بستر را برای حفظ هویت شهری و افزایش حس تعلق به مکان فراهم می‌کند. در مطالعه حاضر، اسناد و نظریه‌های مرتبط با بهره‌گیری از راهبرد استدلال منطقی و تحلیل محتوا مورد بازخوانی و واکاوی و در ادامه کارخانه سالامبورسازی تبریز و کارخانه ایگوالادا در اسپانیا به‌صورت مطالعه تطبیقی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند. یافته‌های حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که استفاده مجدد تطبیقی از کارخانه چرم‌سازی ایگوالادا در اسپانیا ضمن حفظ ارزش‌های صنعتی بنا منجر به تداوم هویت شهری نیز شده است. اتفاقی که برای کارخانه سالامبورسازی تبریز به واسطه عدم توجه به ارزش‌های ذاتی اثر و انطباق کاربری مناسب به این بنا رخ نداده و باعث کمرنگ‌شدن نقش این بنا در راستای تداوم هویت شهری شده است.

کلیدواژه‌ها: میراث صنعتی، تغییر کاربری تطبیقی، هویت شهری، کارخانه سالامبورسازی، کارخانه چرم‌سازی ایگوالادا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۵

*نویسنده مسئول: sarafadaei@ut.ac.ir

مقدمه

طبق منشور نیژنی تاگیل، میراث صنعتی مدرکی است که در نتیجه فعالیت‌های تاریخی طولانی به وجود آمده است و انگیزه برای حفاظت میراث صنعتی بیشتر بر پایه ارزش‌های جهانی چنین آثاری است. در عصر حاضر درک اهمیت مجموعه‌های میراث صنعتی به‌عنوان آثار تاریخی تدریجاً در حال افزایش است. لاگرکویس در این‌باره معتقد است که نه‌تنها آثار باقیمانده از قرن نوزدهم از نظر تاریخی و ضرورت نگهداری دارای ارزش هستند، بلکه ساختمان‌های صنعتی که همچنان کاربری خود را حفظ کرده‌اند و بستر اجتماعی که در آن واقع شده‌اند، نیز ارزش بسیاری دارند^[۱].

ساختمان‌های صنعتی بیانگر تاریخ گذشته خود هستند و در طول زمان برای مردم معنا پیدا کرده‌اند. بنابراین حفظ میراث معماری

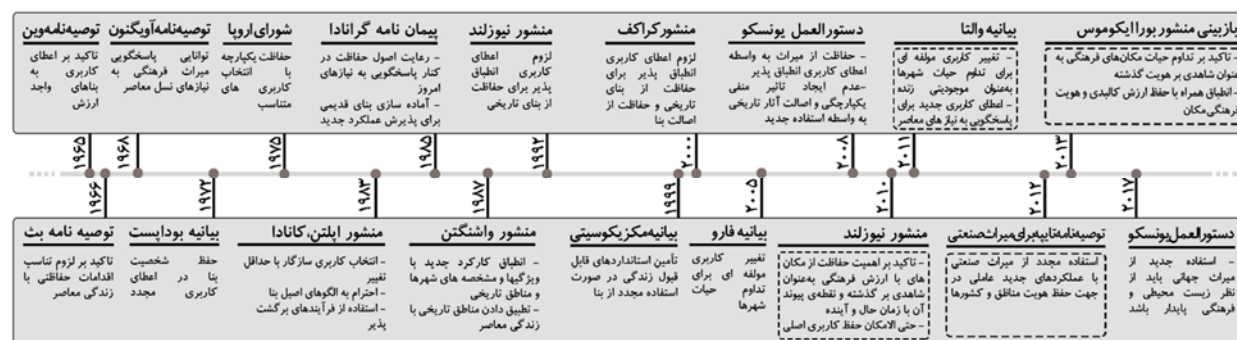
صنعتی امری ضروری است، چراکه پیوند عمیقی با رابطه میان مردم و تاریخ دارد. میراث صنعتی همچون شیوه زندگی مردم عادی درواقع بخش مهمی از ارزش‌های هویتی و اجتماعی جامعه محسوب می‌شود. زوال ساختمان‌های صنعتی باعث تباهی جامعه پیرامونی نیز خواهد شد. حال آنکه اگر این آثار تغییر کاربری داده و حفظ شوند درواقع بخشی از هویت جامعه حفظ شده است^[۲]. منشور نیژنی تاگیل عنوان می‌کند که میراث صنعتی از آنجا که بخشی از پیشینه مردان و زنان عادی است و همچنین درک مهمی از هویت را شکل می‌دهد دارای ارزشی اجتماعی است^[۳]. درواقع با حفظ میراث صنعتی که بنا به نظر لئوس تنها از طریق تغییر کاربری تطبیقی امکان‌پذیر است، هویت شهر به‌عنوان یکی از مولفه‌های ارزش‌های اجتماعی حفاظت میراث فرهنگی حفظ خواهد شد^[۴]. مطالعه حاضر در نظر دارد که با مقایسه دو شهر صنعتی که بخش مهمی از هویت خود را از صنعت اصلی شهر دارند، مزایای تغییر کاربری و استفاده مجدد از میراث صنعتی را از منظر تداوم هویت شهری مورد بررسی قرار دهد.

بازخوانی و واکاوی اسناد و کنوانسیون‌های مرتبط با انطباق‌پذیری و استفاده مجدد میراث صنعتی با تاکید بر تداوم هویت شهری

اعتبار تاسیس تنها سازمان جهانی (کمیته بین‌المللی حفظ میراث صنعتی؛ TICCIH) برای مطالعه، تفسیر و حفاظت از میراث صنعتی باید به نیلی کاسنر اعطا شود. کسی که در سال ۱۹۷۳ ایده گردهمایی فعالان حرفه‌ای و آماتور از سراسر دنیا را برای برگزاری کنفرانسی در موزه آیرنبریج جورج انگلستان ارایه کرد. بدین ترتیب نخستین گام بلند در زمینه حفاظت میراث صنعتی توسط بریتانیا برداشته شد. تا به امروز اسناد مرتبط با حفاظت میراث صنعتی شامل منشور نیژنی تاگیل (۲۰۰۳)، اصول دوبلین (۲۰۱۱)، توصیه‌نامه تایپه برای میراث صنعتی آسیا (۲۰۱۲) و تفاهم‌نامه ایکوموس و میراث صنعتی (۲۰۱۴) است. در این اسناد تغییر کاربری ساختمان‌های صنعتی راهکاری برای حفاظت میراث صنعتی بیان شده و تاکید شده است که بر حفظ الگوی اصلی فعالیت کارخانه در تغییر کاربری آن توجه شود. در تغییر کاربری میراث صنعتی بایستی به ارزش‌های ملموس و ناملموس آنها و شخصیت و هویت آنها توجه شود. هدف از استفاده مجدد از میراث صنعتی باید حفاظت از منحصربه‌فردبودن آن، جنبه اجتماعی و ارزش‌های آن باشد که هر کدام در تعامل و سازگاری با کارکرد جدید هستند^[۵]. از میان اسناد و کنوانسیون‌های حوزه تغییر کاربری و استفاده مجدد چهار سند نیوزلند، بیانیه والتا، توصیه‌نامه تایپه برای میراث صنعتی آسیا و بازبینی منشور بورا به بحث هویت میراث اشاره داشته‌اند. در منشور نیوزیلند (۲۰۱۰) بر اهمیت حفاظت از مکان‌هایی با ارزش فرهنگی به‌عنوان شاهی بر گذشته و نقطه پیوند آن با زمان حال و آینده تاکید شده و عنوان شده است که حتی‌الامکان کاربری اصلی بنا حفظ و در صورت تغییر، به عدم مغایرت کاربری جدید با ارزش تاریخی و فرهنگی بنا توجه شود. همچنین در بیانیه والتا (۲۰۱۱) بر ضرورت مدیریت موثر تغییر به‌عنوان مولفه‌ای ضروری برای تداوم حیات شهرها و محوطه‌های

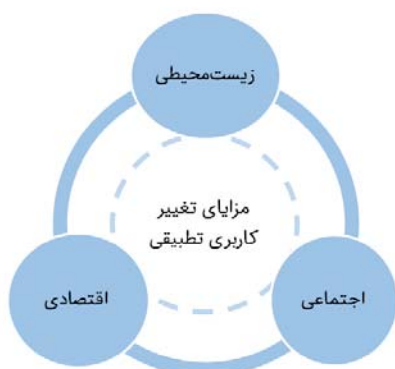
با بررسی و جمع‌بندی سیر تحول اسناد و کنوانسیون‌های مرتبط با انطباق‌پذیری و استفاده مجدد، مشخص شد که حفاظت از مکان‌های باارزش تاریخی به‌عنوان شاهی بر حفظ هویت گذشته شهر تلقی شده و تاکید بر نقش انطباق‌پذیری و استفاده مجدد از میراث بر تداوم هویت شهری در اسناد و کنوانسیون‌های متاخر مورد توجه بیشتری بوده است. این موضوع به مثابه شاهی بر ضرورت این مطالعه تلقی شده است. بررسی اسناد و کنوانسیون‌ها نشان می‌دهد که از مولفه‌های تاثیرگذار بر تداوم هویت شهری می‌توان به استفاده مجدد از میراث و تداوم حیات مکان‌های فرهنگی، تشخیص مکانی، ارزش عملکردی، ارزش اجتماعی، ارزش فرهنگی، ارزش کالبدی، ارزش تاریخی و حس تعلق به مکان اشاره کرد.

تاریخی به‌عنوان موجودیتی زنده، به‌منظور ارتقای کیفیت حیات ساکنین و کیفیت محیطی در عین حفظ ارزش‌های فرهنگی تاکید شده است. در سال ۲۰۱۲ توصیه‌نامه تاپیه برای میراث صنعتی آسیا استفاده مجدد از میراث صنعتی با عملکردهای جدید را عاملی در جهت حفظ هویت مناطق و کشورها می‌داند. در بازبینی منشور بورا ایکوموس (۲۰۱۳) بر تداوم حیات مکان‌های با اهمیت فرهنگی به‌عنوان شاهی بر تاریخ و هویت گذشته و نقطه پیوند جوامع معاصر با جوامع پیشین تاکید و عنوان شده است که انطباق باید با حداقل تغییر و با حفظ ارزش کالبدی و هویت فرهنگی مکان همراه باشد (شکل ۱).



شکل ۱) سیر تحول اسناد و کنوانسیون‌های مرتبط با انطباق‌پذیری و استفاده مجدد میراث صنعتی با تاکید بر تداوم هویت شهری (منبع: نویسندگان مبتنی بر بازخوانی اسناد)

تاریخی، حفاظت از هویت اصلی آنها است^[11]. در بسیاری از جوامع کارخانه‌ها و بناهای صنعتی بخش حیاتی از هویت ساکنان آن هستند و به‌عنوان نشانه مهم محلی عمل می‌کنند^[12]. درواقع از عملکرد جدید این بناها به‌عنوان تابعی برای تداوم عمر هویت شهری استفاده می‌شود^[13]. برای استفاده مجدد از میراث صنعتی معیار و ضابطه تعیین می‌شود که بایستی به ارزش‌های ملموس و ناملموس آنها و همچنین شخصیت و هویت آنها توجه شود^[5]. از جمله مزایای تغییر کاربری تطبیقی میراث صنعتی می‌توان به حفظ ارزش‌های بنا در سه جنبه زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی اشاره کرد (شکل ۲).



شکل ۲) مزایای تغییر کاربری تطبیقی میراث صنعتی (ترسیم: نویسندگان براساس مطالعه ویلسن^[14])

بازخوانی و واکاوی نظریه‌های مرتبط با انطباق‌پذیری و استفاده مجدد میراث صنعتی، با تاکید بر تداوم هویت شهری

با آغاز دوران پسا صنعت و به سبب تغییراتی که در تیپولوژی معماری صنعتی رخ داد، به‌تدریج بناهای صنعتی قدیمی کاربری و عملکرد موثر خود را از دست دادند. آنها دیگر برای استفاده‌های آتی موثر و مفید نبودند و در نتیجه این بناها متروک شدند^[6]. براساس نظریه لانگستون در این شرایط دو گزینه (یکی تخریب و دیگری تداوم حیات این‌گونه بناها) پیش رو است^[7]. امروزه استفاده مجدد بناهای تاریخی به‌عنوان بخشی ضروری از حفاظت مدرن شناخته می‌شود و با توجه به نظریه‌های مرمت مدرن این اقدام لازمه توسعه شهری محسوب می‌شود^[8]. طبق گفته دال/پائوس مزایای تغییر کاربری به حفاظت و نگهداری از بنای میراثی محدود نمی‌شود، بلکه باعث حفاظت از اهمیت تاریخی آن و به‌طور کلی تداوم ارزش‌های آن می‌شود و همچنین منجر به تطابق و سازگاری آن با گزینه‌ها و راهکارهای جدید می‌شود که می‌تواند از نظر اقتصادی نیز به صرفه باشد^[9]. بولن نیز مزایای تغییر کاربری بناهای میراثی را فراتر از تاثیرگذاری بر یک ساختمان می‌داند. وی بیان می‌کند که تغییر کاربری بر محیط پیرامون بنا هم تاثیرگذار است و از این رو نیز سودمند خواهد بود. مهمتر از همه آنکه شخصیت و هویت آن محله را حفظ می‌کند^[10].

چالش اصلی در رابطه با استفاده مجدد از سایت‌های صنعتی

برای حفظ ویژگی‌های ذاتی یک مکان باید ذهنیتی که نسبت به آن وجود داشته است حفظ شود و ماهیت و ویژگی‌هایی که حال را به گذشته پیوند می‌دهند نگه داشته شوند [20]. حفاظت میراث صنعتی زمانی به بهترین صورت انجام می‌شود که مردم حس کنند این میراث بخشی از هویت آنها را تعریف می‌کند. آن دسته از بناهای صنعتی در این مقوله می‌گنجند که علاوه بر سابقه تاریخی، بخشی از خاطره مردم شهر باشند. تحقق‌بخشیدن به این هدف، نیازمند شناخت عوامل موثر بر هویت شهرها است. در جدول ۱ هویت شهری از دیدگاه نظریه‌پردازان بررسی و مولفه‌های مرتبط بر نقش تغییر کاربری میراث صنعتی بر تداوم هویت شهری ارایه شده است.

بررسی و جمع‌بندی نظرات مختلف نظریه‌پردازان در باب مزایای انطباق‌پذیری و استفاده مجدد تطبیقی میراث صنعتی و تأثیری که بر تداوم هویت شهری دارند، نشان می‌دهد که بیشترین مولفه‌های هویتی مورد تأکید از دیدگاه آنها شامل مولفه‌های اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، کالبدی، اقتصادی، نشانه شهری، تمایز و تشخیص مکانی، حس تعلق به مکان و تجربیات و خاطرات انسانی است. در شکل ۳ چارچوب مفهومی مطالعه مبتنی بر بازخوانی و واکاوای نظریه‌ها، اسناد و منشورهای مرتبط با انطباق‌پذیری و استفاده مجدد تطبیقی میراث صنعتی با تأکید بر تداوم هویت شهری و جمع‌بندی مولفه‌های مورد تأکید از دید آنها ارایه می‌شود. در ادامه، نمونه‌های مورد مطالعه براساس معیارهای تبیین‌کننده چارچوب نظری مورد بررسی قرار می‌گیرند.

ارزیابی اقدامات انطباق‌پذیری و استفاده مجدد تطبیقی کارخانه‌های سالامبورسازی تبریز و کارخانه چرم‌سازی ایگوالادا در اسپانیا مبتنی بر مولفه‌های تداوم هویت شهری

در این بخش نمونه‌های مورد مطالعه شامل کارخانه سالامبورسازی تبریز و کارخانه چرم‌سازی ایگوالادا معرفی و مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. هر دو نمونه انتخابی مطالعه حاضر، جزء اولین کارخانه‌های شهر خود هستند که کاربری غالب شهر را به خود اختصاص می‌دهند. دلیل انتخاب این دو نمونه برای مقایسه تطبیقی، علاوه بر یکسانی نوع عملکرد، شباهت در خصوصیات کالبدی، صنعت اول شهر بودن، فاقد کاربری اولیه بودن و نقش آنها در خاطرات و تجربیات مردم شهر است. ابتدا به معرفی اجمالی دو کارخانه و سپس به بررسی مولفه‌های تداوم هویت شهری در این دو نمونه پرداخته می‌شود.

کارخانه سالامبورسازی تبریز

کارخانه سالامبورسازی تبریز نمونه بارز سبک معماری صنعتی است که در سال ۱۳۱۰ رسماً افتتاح شد. این کارخانه جزء اولین ساختمان‌های صنعتی شهر تبریز و به نوعی شناسنامه ورود صنعت به این شهر است. این کارخانه در بلوار آزادی، تقاطع خیابان دکتر قریب قرار گرفته است که ابتدا دارای چهار ساختمان مجزا از هم بود ولی بعدها با رسیدن سیم‌های برق به شهر تبریز ساختمانی نیز در کنار ساختمان‌های آن بنا و به ساختمان برق معروف شد. کارخانه تا سال ۱۳۲۰ دایر بوده است. در همین سال همزمان با جنگ جهانی

ویلسن معتقد است که مزایای اجتماعی شامل حفظ ارزش‌های فرهنگی و تاریخی ساختمان مورد نظر است. در دوره‌ای که آن ساختمان دارای کاربری بوده است نقش معینی در ایجاد ارتباط میان کاربران و همسایگان خود داشته است. درواقع این ساختمان‌ها قابلیت شخصیت‌بخشی به یک ناحیه و ایجاد "حس مکان" را دارا هستند [14]. هویت به‌عنوان یکی از مولفه‌های تبیین‌کننده ارزش اجتماعی و عامل حفظ تشخیص شهرها بااهمیت تلقی می‌شود. سهل و ممتنع بودن مفهوم هویت شهری در فرآیند شناخت و ادارک، پدیده‌ای چندبعدی و پیچیده را پیش روی ما قرار می‌دهد [15]. توجه به جایگاه هویت شهری می‌تواند بسیاری از مشکلات شهرها را مرتفع کند و مشارکت مردمی را به ارمغان آورد. در این بین میراث فرهنگی هر قوم و ملت به‌عنوان نقطه اتصال مردم به گذشته و فرهنگ و بینش گذشتگان نقش غیرقابل انکاری در هویت شهر دارد [16]. لزوم توجه و تأکید بر ارزش‌های هویت‌بخش میراث صنعتی در بافت شهری و ضرورت حفاظت و بازنده‌سازی آن در حدود چهاردهه است که در حوزه مطالعاتی و عملیاتی شاخه‌های مختلفی چون مرمت، معماری، شهرسازی و باستان‌شناسی ورود یافته است [17]. سایت‌های صنعتی نقطه عطفی در تاریخ انسانیت به حساب می‌آیند. آنها خاطرات روزهایی را دارند که هم موجب پیشرفت و هم مایه رنجش بوده‌اند و البته نمادی از امید به زندگی بهتر هستند. آنها توسعه فناوری هر کشور را از طریق معماری آنها نشان می‌دهند. علاوه بر این بناهای صنعتی ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی زمان خود را نمایش می‌دهند [18]. میراث صنعتی در جایگاه ثبت بخشی از زندگی مردم و نمود احساسی از تاریخ و هویت، اهمیت بالاتری را به لحاظ فرهنگی و اجتماعی می‌یابد که می‌تواند ناشی از یک صنعت، یک کمپانی خاص، یک جامعه صنعتی یا تجارت و مهارتی ویژه باشد. میراث صنعتی می‌تواند برای یک جامعه هویت ایجاد کند و یا نماد شناخته‌شده‌ای را برای یک مکان به وجود بیاورد [18]. / یفکو معتقد است که بناهای میراثی از جمله بناهای صنعتی نقطه عطفی برای آن هستند که بتوانند باقیمانده‌های گذشته را در زمینه جدید و طی زمان ادغام کنند. این ساختارها منبعی چندبعدی برای ثبات اقتصادی، هویت‌بخشی و ارتقای اعتماد تمامی افراد جامعه هستند [19]. / لویس بیان می‌کند که یک مکان درواقع جزیی از فرهنگی است که خواسته یا ناخواسته، به مرور زمان معانی خاصی را به آن فضا بخشیده است. در ساختار کلی شهر حفظ میراث صنعتی به‌عنوان میراثی غیرقابل تجدید و تشکیل‌دهنده بخش عمده‌ای از شالوده اصلی شهر، یکی از مهمترین جنبه‌های حفظ هویت فرهنگی یک شهر محسوب می‌شود [20]. با نگهداشتن میراث صنعتی، ارتباطی ماندگار میان نسل حاضر و آینده برقرار می‌شود و موجبات هویت‌بخشی به نسل‌های گذشته و مکان‌های تاریخی فراهم می‌شود.

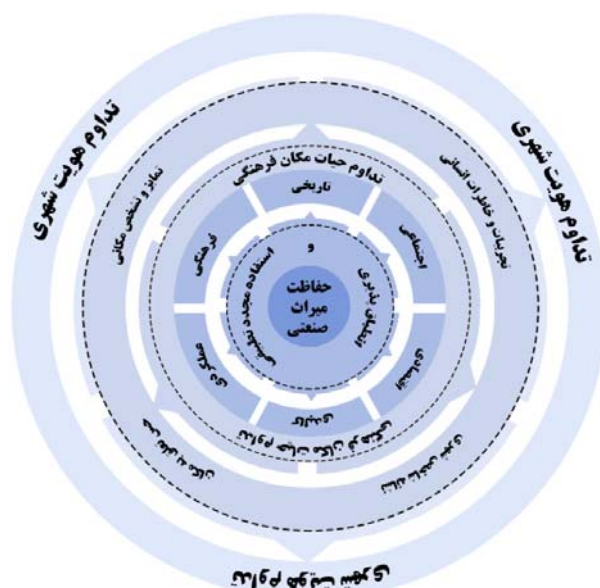
میراث صنعتی، این نشانه شهری نه تنها با تاریخی که داستان‌گونه است پیوند دارد بلکه با خاطرات انسان‌ها نیز در ارتباط است. از نگاه مور و ولان، پیوند دوم حتی از تاریخ نیز مهمتر است [21]. بنابراین

ادامه حیات دهد [22]. با بررسی عکس‌های هوایی موجود از سایت کارخانه مشخص شد که بخش‌های زیادی از آن به دلیل اجرای پروژه هشت‌بهشت تخریب شده است. به گونه‌ای که از مساحت ۳۸ هزار مترمربع، تنها ۲۵۶۰ مترمربع باقی مانده است (شکل ۴).

دوم و ورود قوای روس به تبریز به اشغال بیگانگان در آمد و از فضای آن در جهت کارهای نظامی استفاده و ابزار و وسایل آن نیز به یغما برده شد. این محل در نتیجه اشغال قوای بیگانه چنان آسیمی دید که دیگر بعد از اتمام جنگ نتوانست در شکل کارخانه

جدول (۱) بازخوانی و واکاوی نظریه‌های مرتبط با انطباق‌پذیری و استفاده مجدد تطبیقی میراث صنعتی، با تاکید بر تداوم هویت شهری (منبع: نویسندگان براساس منابع مطالعه‌شده)

نظریه‌پرداز	سال	مزایای انطباق‌پذیری و استفاده مجدد تطبیقی میراث صنعتی، با تاکید بر تداوم هویت شهری	مولفه مورد تاکید
نظریه‌پردازان خارجی			
بولن	۲۰۰۷	تاثیرگذاری بر محیط پیرامون بنا؛ حفظ شخصیت و هویت محله	انطباق‌پذیری و استفاده مجدد تطبیقی میراث صنعتی سبب حفظ هویت شهری
ویلسن	۲۰۱۰	مزایای اجتماعی تغییر کاربری شامل حفظ ارزش‌های فرهنگی و تاریخی ساختمان میراثی؛ نقش میراث صنعتی در ایجاد ارتباط میان کاربران و همسایگان؛ دارا بودن قابلیت شخصیت‌بخشی به یک ناحیه و ایجاد حس مکان	اجتماعی؛ فرهنگی؛ تاریخی؛ تشخیص مکانی؛ حس تعلق به مکان؛ تجربیات انسانی
لوتیس	۲۰۱۱	در ساختار کلی شهر حفظ میراث صنعتی به عنوان میراثی غیرقابل تجدید و تشکیل‌دهنده بخش عمده‌ای از شالوده اصلی شهر، یکی از مهمترین جنبه‌های حفظ هویت فرهنگی یک شهر محسوب می‌شود.	انطباق‌پذیری و استفاده مجدد تطبیقی میراث صنعتی سبب حفظ هویت شهری
دونت	۲۰۱۲	میراث صنعتی در جایگاه ثبت بخشی از زندگی مردم و نمود احساسی از تاریخ و هویت؛ اهمیت فرهنگی و اجتماعی؛ میراث صنعتی نماد شناخته‌شده‌ای برای یک مکان	فرهنگی؛ اجتماعی؛ نشانه شهری؛ تجربیات و خاطرات انسانی
ایفکو	۲۰۱۶	منبعی چندبعدی برای ثبات اقتصادی، هویت‌بخشی و ارتقای اعتماد تمامی افراد جامعه	اقتصادی؛ حس تعلق به مکان
میسرلیسوی و گونچه	۲۰۱۶	عملکرد جدید این بناها به عنوان تابعی برای تداوم عمر هویت شهری	انطباق‌پذیری و استفاده مجدد تطبیقی میراث صنعتی سبب حفظ هویت شهری
مور و ولان	۲۰۱۶	میراث صنعتی، این نشانه شهری نه تنها با تاریخی که داستان‌گونه است پیوند دارد بلکه با خاطرات انسان‌ها نیز در ارتباط است.	تاریخی؛ خاطرات انسانی
دالپائوس و همکاران	۲۰۱۹	باعث حفاظت از اهمیت تاریخی بنای میراثی و تداوم ارزش‌های آن می‌شود؛ سبب تطابق و سازگاری بنا با گزینه‌ها و راهکارهای جدید و داشتن صرفه اقتصادی می‌شود.	تاریخی؛ اقتصادی
نظریه‌پردازان داخلی			
تیمورتاش	۲۰۱۳	کارخانه‌ها و بناهای صنعتی بخش حیاتی از هویت ساکنان آن هستند و به عنوان نشانه محلی عمل می‌کنند.	نشانه محلی
حناچی	۲۰۱۷	بناهای صنعتی ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی زمان خود را نمایش می‌دهند؛ نشانه‌ای از خاطرات انسانی هستند.	ارزش اجتماعی و فرهنگی؛ خاطرات انسانی
اکبری	۲۰۱۷	هویت یکی از مولفه‌های تبیین‌کننده ارزش اجتماعی و عامل حفظ تشخیص شهرها است.	تشخیص مکانی؛ ارزش اجتماعی



شکل (۳) نمودار چارچوب نظری مطالعه (ترسیم: نویسندگان براساس بازخوانی و واکاوی نظریه‌ها و اسناد مرتبط)



شکل ۴) مجموعه ساختمان‌های باقیمانده سالامبورسازی تبریز، احاطه‌شده توسط ساخت و سازهای پروژه هشت‌بهشت^[23]

است و وجود قدرتمند این صنعت را در گذشته شهر در تولید چرم نشان می‌دهد. این موزه در سال ۱۹۵۴ افتتاح شده و در حال حاضر تنها موزه دباغی و چرم‌سازی در اسپانیا است. انتخاب کاربری موزه چرم برای این دو کارخانه که هویت شهر به این صنعت وابسته است، از بهترین نمونه‌های اعطای کاربری مجدد به بنا محسوب می‌شود و تاثیر به‌سزایی در سرزندگی بافت شهری و نمایش هویت و پیشینه شهر داشته است. اعطای کاربری مجدد در راستای کاربری اصلی بنا، باعث حفظ و تقویت تجربیات و خاطرات مردم ایگوالادا و تقویت حس تعلق به مکان شده است. دو عاملی که از عوامل تاثیرگذار در تداوم هویت شهری هستند. شاید هر کاربری دیگری به جز موزه نمی‌توانست تا این حد در سرزندگی و جذب گردشگر برای این منطقه صنعتی موفق عمل کند^[24].

به‌تازگی مجموعه ساختمان‌های دباغی آدوبریابلا نیز به این موزه اضافه شده است. این بنا متعلق به سال ۱۹۱۳ و تغییر کاربری آن در سال ۲۰۱۵ انجام شده است. چارچوب این پروژه یک اقدام استراتژیک شهری و به‌دنبال تقویت دارایی‌های میراثی شهر است. این پروژه اولین گام مداخله با هدف ایجاد فضایی برای انتشار تاریخچه صنعت دباغی چرم این منطقه در فضای مدرن قرن ۲۱ است. در میان کارخانه‌های شهر صنعتی ایگوالادا شاید این کارخانه دباغی چرم از بزرگترین آنها نباشد، اما به‌طور قطع جزء تاثیرگذارترین کارخانه‌های این منطقه بر افزایش اهمیت و هویت این شهر است. تغییر کاربری این بنا را می‌توان از موفق‌ترین تغییر کاربری‌های مجموعه‌های صنعتی به شمار آورد. تبدیل کارخانه‌ای با وسعت و شهرت منطقه‌ای به فضایی که اکنون مرکز تعیین کیفیت چرم اروپا است و تبدیل آن به شاخص‌ترین مکان ایگوالادا بی‌شک موفقیت این پروژه تغییر کاربری را نشان می‌دهد^[25].

شکل ۵ مجموعه ساختمان‌های موزه چرم ایگوالادا را نشان می‌دهد. بررسی چهار مولفه تداوم هویت شهری به واسطه اقدامات انطباق‌پذیری و استفاده مجدد تطبیقی کارخانه چرم‌سازی ایگوالادا در اسپانیا نشان می‌دهد که انتخاب کاربری موزه و مرکز اسناد چرم برای مجموعه کارخانه‌های چرم‌سازی ایگوالادا در تقویت مولفه خاطرات و تجربیات انسانی، تمایزبخشیدن و شاخص‌کردن بنا در مقیاسی بزرگتر از مقیاس محله‌ای، تبدیل دباغی آدوبریابلا از دباغی

کارخانه سالامبورسازی نه‌تنها یک بنای بارز از لحاظ معماری و قدمت تاریخی برای شهر تبریز است، بلکه نماد هویت و نشان‌دهنده صنعت اصلی این شهر نیز به شمار می‌آید. با بررسی چهار مولفه استخراج‌شده در باب هویت شهری به تاثیرگذاری و نقش این کارخانه درباره تداوم هویت شهری تبریز به واسطه این میراث پرداخته می‌شود. این کارخانه یادآور خاطرات مردمانی است که زمانی نه‌چندان دور در این فضا کار می‌کردند. به طوری که بخش عمده‌ای از اشتغال مردم را به خود اختصاص داده است و به‌عنوان بخشی از خاطرات جمعی مردم تبریز در حافظه تاریخ معاصر شهر جایگاه ویژه‌ای دارد. هر چند که در سال‌های اخیر به واسطه بی‌توجهی به آن و فاقد عملکرد بودن مولفه حس تعلق به مکان نزد مردم شهر تبریز نسبت به این بنا کم‌رنگ شده است. به علاوه، قرارگیری این بنا در محور صنعتی شهر تبریز و داشتن ارزش‌های خاص معمارانه و زیبایی‌شناختی دو مولفه دیگر از تداوم هویت شهری یعنی تشخیص و تمیز مکانی و نشانه شاخص شهری بودن را تایید می‌کند. هر چند که ضرورت دارد به این بنا به مثابه یک نشانه شهری توجه بیشتری شود.

از این رو با توجه به اهمیت این کارخانه برای تاریخچه و هویت صنعت شهر تبریز، مقیاس و موقعیت مناسب آن در مرکز شهر و آسیب‌هایی که به این مجموعه به دلیل متروکه‌بودن وارد شده است، استفاده مجدد و اعطای کاربری مناسب به آن می‌تواند ضمن حفاظت از مجموعه، موجب ارتقای سطح فرهنگی و اقتصادی بافت اطراف و بازگرداندن حیات مجدد به آن نیز شود و در نهایت کارخانه سالامبورسازی از فضایی متروکه به نشانه‌ای هویت‌بخش برای شهر تبدیل شود^[23].

کارخانه سالامبورسازی و چرم‌سازی ایگوالادا

تاریخ صنعت چرم و دباغی ایگوالادا با مردم و هویت شهر عجین شده است. ساختمان‌های این منطقه شاید از نظر ارزش میراث معماری اهمیت ویژه‌ای نداشته باشند، اما از لحاظ حافظه تاریخی اهمیت زیادی برای شهر دارند. در زمان ناامیدی ناشی از بحران اقتصادی، شهر ایگوالادا نیاز به پروژه‌های محرکی داشت تا توان بالقوه شهر را بهبود بخشد. موزه چرم جزء این دسته از پروژه‌های شهری بوده است. موزه چرم ایگوالادا در شهرستان آنوییا واقع شده

تعارض منافع: هیچگونه تعارض منافعی وجود ندارد.
سهم نویسندگان: ریحانه رنجکش (نویسنده اول)، نگارنده مقدمه/پژوهشگر اصلی/نگارنده بحث (۵۰٪)؛ سمیه فدائی‌نژاد (نویسنده دوم)، روش‌شناس/پژوهشگر کمکی (۵۰٪)
منابع مالی: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

منابع

- 1- Lagerqvist B. The production of industrial heritage and the heritage in industrial production-working order as model for heritage practices. Reusing the Industrial Past Conference, 2010 August 10-15, Tampere, Finland. Unknown Publisher city: Unknown Publisher; 2010.
- 2- Krejczisz CA. The craft of conservation: Enhancing New Zealand's industrial heritage through adaptive reuse [Dissertation]. Wellington: Victoria University of Wellington; 2012.
- 3- TICCIH. The Nizhny Tagil charter for the industrial heritage. TICCIH XII International Congress, 2003 July 17, Moscow, Russia. Nizhny Tagil: TICCIH; 2003. [English-Croatian]
- 4- Leus M, Wouters I. Unloved industrial heritage as a motor for urban regeneration. Finds and Results from the Swedish Cyprus Expedition: A Gender Perspective at the Medelhavsmuseet, 2009 September 21-25, Stockholm, Sweden. Unknown Publisher city: Kelly; 2009.
- 5- Blagojević MR, Tufegdžić A. The new technology era requirements and sustainable approach to industrial heritage renewal. Energy Build. 2016;115:148-53.
- 6- Fetisov O. Adaptive reuse for new social and municipal functions as an acceptable approach for conservation of industrial heritage architecture in the czech republic. Civil Eng J. 2015;(1):1-13.
- 7- Langston C, Wong FK, Hui EC, Shen LY. Strategic assessment of building adaptive reuse opportunities in Hong Kong. Build Environ. 2008;43(10):1709-18.
- 8- Aydeniz NE, Taddonio S. Positive conservation of an old olive oil factory in Ayvalik (Turkey)-adaptive reuse and experience design. Int J Contemp Archit. 2016;3(1):45-56.
- 9- Bottero M, D'Alpaos Ch, Oppio A. Ranking of adaptive reuse strategies for abandoned industrial heritage in vulnerable contexts: A multiple criteria decision aiding approach. Sustainability. 2019;11(3):785.
- 10- Bullen PA. Adaptive reuse and sustainability of commercial buildings. Facilities. 2007;25(1.2):20-31.
- 11- Giuliani F, De Falco A, Landi S, Bevilacqua MG, Santini L, Pecori S. Reusing grain silos from the 1930s in Italy. A multi-criteria decision analysis for the case of Arezzo. J Cult Herit. 2018;29:145-59.
- 12- Heidari Sh, Hanachi P, Teymoortash S. The adaptive reuse of industrial heritage, an approach based on energy recycle. NAQSHEJAHAN. 2019;9(1):45-53. [Persian]
- 13- Mısırlısoy D, Günçe K. Adaptive reuse strategies for heritage buildings: A holistic approach. Sustain Cities Soc. 2016;26:91-8.
- 14- Wilson CA. Adaptive reuse of industrial building in Toronto, Ontario: Evaluating criteria for determining building selection [Dissertation]. Kingston: Queen's University; 2010.
- 15- Akbari Shahrak S. City physical identity assessment indicators. 3rd Annual Conference on Architectural, Urbanism and Urban Management Research; 2017 May 11, Shiraz, Iran. Unknown Publisher city: Unknown Publisher; 2017. [Persian]

محلی به نشانه‌ای شهری و افزایش حس تعلق به مکان در مردم موفق بوده است.



شکل ۵) مجموعه ساختمان‌های موزه چرم ایگوالادا؛ سمت راست شکل دباغی آدوبریلابلا و سمت چپ کال گرونوتز و کال بویر را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

ساختمان‌های صنعتی بیانگر تاریخ گذشته خود هستند و در طول زمان برای مردم معنا پیدا کرده‌اند. بنابراین حفظ بناهای صنعتی امری ضروری است، چراکه پیوند عمیقی با رابطه میان مردم و تاریخ شهر و در مجموع هویت شهری دارد. با تطبیق چهار مولفه استخراج‌شده از اسناد، کنوانسیون‌ها و نظریه‌های مختلف نظریه‌پردازان پیرامون انطباق‌پذیری و استفاده مجدد تطبیقی میراث صنعتی، با تأکید بر تداوم هویت شهری که شامل تمایز و تشخیص مکانی، نشانه شاخص شهری، حس تعلق به مکان و تجربیات و خاطرات انسانی است، بررسی تطبیقی کارخانه‌های سالامبورسازی تبریز و چرم‌سازی ایگوالادا نشان داد که میراث صنعتی توان بالقوه تأثیرگذاری بر تداوم هویت شهری دارد، به شرطی که با اعطای کاربری مناسب به آنها بتوان این توان بالقوه را به‌صورت بالفعل در آورد. کارخانه چرم‌سازی ایگوالادا در موقعیتی مشابه با کارخانه سالامبورسازی تبریز است، با این تفاوت که با اعطای کاربری موزه و مرکز اسناد چرم اسپانیا به این بنا، این کارخانه به‌عنوان موجودیتی زنده به تأثیرگذاری بر بافت شهری و هویت شهری ادامه می‌دهد. کارخانه سالامبورسازی تبریز یادآور بخش مهمی از تاریخ و خاطرات مردم این شهر است. موقعیت قرارگیری این کارخانه روی محور صنعتی شهر و باقی‌ماندن آن به‌تنهایی از دوران درخشان صنعت چرم تبریز باعث شده است که از آن به مثابه یک نشانه شاخص شهری یاد شود. با این حال به‌دلیل نداشتن کاربری مناسب با هویت بنا، به‌تدریج دو مولفه تمایز و تشخیص مکانی و حس تعلق به مکان در آن کمرنگ شده‌اند. حفاظت از میراث صنعتی درواقع حفاظت از هویت شهرها است. امید است که این مهم با توجه بیشتر مسئولان و مردم بر این دارایی‌های ملی محقق شود.

تشکر و قدردانی: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.
تأییدیه‌های اخلاقی: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

identity: New perspectives on the cultural landscape (heritage, culture and identity). Moore N, editor. Abingdon: Routledge; 2016.

22- Nejad Ebrahimi A, Farrokhi Sh, Shab Ahang M. Architectural pattern recognition of first pahlavi's industrial factories in Tabriz. NAQSHEJAHAN. 2019;9(1):33-44. [Persian]

23- Ranjkesh R. Protecting industrial heritage with an adaptability and reuse approach; Case study. Tabriz Salambur Factory [Dissertation]. Tehran: University of Tehran; 2019. [Persian]

24- museupelligualada.cat [Internet]. Igualada: museupelligualada.cat; Unknown Year [cited 2019 April 30]. Available from: <https://museupelligualada.cat/>

25- goood.cn [Internet]. Beijing: goood.cn; 2016 [cited 2019 April 28]. Available from: <https://bit.ly/3c7qYPR>.

16- Mahdavinezhad M, Dideban M, Bazazzadeh H. Contemporary Architectural Heritage and Industrial Identity in Historic Districts. J Islam Iran Stud. 2016;;6(22):41-50. [Persian]

17- Mazaherian H, Shahtemori Y. International approaches to new constructions in historic context (study of theories and international agreements). NAQSHEJAHAN. 2012;2(1):7-18. [Persian]

18- Douet J. Industrial heritage rebuilding. Hanachi P, Teymourash S, translators. 1st Edition. Tehran: University of Tehran Press; 2017. [Persian]

19- Ifko S. Comprehensive management of industrial heritage sites as a basis for sustainable regeneration. Procedia Eng. 2016;161:2040-5.

20- Loures L. Industrial heritage: The past in the future of the city. Int J Energy Environ. 2011;4(8):687-96.

21- Whelan Y. Heritage, memory and the politics of